

مدیریت و برنامه‌ریزی حکیمانه در قرآن و روایات

مرتضی آبگشا^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده

این پژوهش با نام «مدیریت و برنامه‌ریزی حکیمانه در قرآن و روایات» در پی آن است تا جایگاه، ارکان، فواید و الگوهای برنامه‌ریزی و مدیریت در قرآن کریم را روشن سازد. مدیریت یعنی حسن تدبیر در اجرای امور جهت نیل به اهداف تعیین شده. برنامه‌ریزی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های منظمی که از تعیین هدف شروع می‌شود و با انتخاب روش‌ها و وسایل متناسب با هدف ادامه پیدا کرده، سپس به اجرا در می‌آید و ارزشیابی می‌گردد. حکمت نیز به معنی شناخت و فهم دین است. از نگاه آیات و روایات، برنامه‌ریزی از وظائف اصلی مدیریت شناخته شده است و نقش بی‌بدیلی در موفقیت، پیشرفت، کارآیی و اثر بخشی مدیران دارد و مؤمن بصیر، در جایگاه مدیری موفق، کمال استفاده را از برنامه‌ریزی می‌برد. ضرورت آن برای رسیدن به اهداف و مقاصد، به ویژه اهداف کلان و سرنوشت‌ساز قابل انکار نیست. بر این اساس، نگارنده با جستجو در منابع دینی، به پرسش‌هایی مانند «چیستی جایگاه مدیریت و برنامه‌ریزی»، «چیستی ارکان برنامه‌ریزی»، «چیستی فواید برنامه‌ریزی» پرداخته و الگوهای مدیریتی قرآنی را تبیین کرده و در قالب تحقیقی بنیادین و با روش نقلی و وحیانی، پرسش‌های یاد شده را پاسخ داده است. ارکان برنامه‌ریزی شامل هدفمندی و آینده‌نگری می‌شود. فواید برنامه‌ریزی عبارت است از: جلوگیری از پشیمانی، آینده‌نگری و پیش‌بینی سختی‌ها و مشکلات و بهره‌وری بهینه از منابع. حضرت سلیمان (ع)، حضرت یوسف (ع) و حضرت ذوالقرنین (ع) از جمله الگوهای مدیریت و برنامه‌ریزی در قرآن به شمار می‌روند که تدبیر ایشان در مدیریت و برنامه‌ریزی تبیین گشته است.

^۶. استاد حوزه علمیه صاحب الامر (عج) آشتیان، abgosha1359@gmail.com

کلیدواژگان: جایگاه مدیریت، برنامه‌ریزی حکیمانه، فواید برنامه‌ریزی، الگوهای مدیریت.

مقدمه

مدیریت (مدیر بودن)، در لغت به معنای اداره کننده کار یا مؤسسه است (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۶۷۵) و مدیر یعنی اداره کننده که اسم فاعل از مصدر اداره بر وزن اقامه است (شرتونی، أقرب الموارد فی فُصَح العریبۀ و الشوارد، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۵۱). مدیریت در اصطلاح یعنی حسن تدبیر در اجرای امور جهت نیل به اهداف تعیین شده (منصوری لاریجانی، مدیریت اسلامی، ۱۳۶۹ش: ص ۹) و مدیریت اسلامی یعنی ایجاد هماهنگی در اجزاء یک نظام و فراهم نمودن زمینه رشد مطابق قرآن و سنت و سیره معصومین جهت سیر انسانها به سوی الله (همان).

واژه برنامه در لغت فارسی به معنای کارهایی است که به هدف مشخصی ختم شود و برنامه‌ریزی، اسم مصدر و به معنای طراحی و تنظیم مقررات برای اجرای یک کار یا برنامه است. برنامه‌ریزی در اصطلاح عبارت است از مجموعه فعالیت‌های منظمی که از تعیین هدف شروع می‌شود و با انتخاب روش‌ها و وسایل متناسب با هدف ادامه پیدا کرده، سپس به اجرا در می‌آید و ارزشیابی می‌گردد (زارعی و دیگران، اخلاق اسلامی، ۱۳۹۹: ج ۲، ص ۶).

حکمت در لغت به معنی رسیدن به حق به واسطه علم و دانش و عقل است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۹). حکمت در اصطلاح روایی عبارت است از شناخت و فهم دین، و شخص فهیم در دین را حکیم می‌نامند (فیض کاشانی، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، ۱۳۷۱: ص ۲۳)

برنامه‌ریزی حکمت‌مدارانه، از اصول مهم بصیرت و از جمله کارآمدی‌های آن در قلمرو عمل و رفتار است. مؤمن بصیر، برای پیشگیری از فروافتادن در دام ناکامی‌ها، برنامه‌ریزی می‌کند و به لحاظ داشتن اندیشه ژرف، برای رسیدن به اهداف دینی خود همواره از اصل برنامه‌ریزی بهره می‌برد.

برنامه‌ریزی، از وظائف اصلی مدیریت شناخته شده است (توکلی، اصول و مبانی مدیریت، ۱۳۸۳: ص ۶۷) و نقش بسیار مهمی در موفقیت، پیشرفت، کارآیی و اثر بخشی مدیران دارد و مؤمن بصیر، در جایگاه مدیری موفق، کمال استفاده را از برنامه‌ریزی می‌برد. «تدبیر»، از واژه‌هایی است که در زبان عربی معنای برنامه‌ریزی دارد و در آموزه‌های دینی نیز، در اهمیت و ضرورت آن، سخنان بسیاری گفته شده است (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷).

در قرآن مجید، بارها بر حکمت آمیز بودن آموزش‌های الهی تأکید شده و حکیم از اسمای الهی شمرده شده است (مانند سوره بقره آیات ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۸ و ۲۶۰). علامه طباطبایی مراد از حکمت را به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن دانسته آن‌چنان که هیچ رخنه و یا سستی در آن نباشد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۳۹۵). چون حکمت، نشانگر استواری، استحکام و غیر قابل زوال بودن است، خدای متعالی، قرآن را کتاب حکیم می‌نامد (هود، آیه ۱). این نسبت برای آن است که قرآن به موقع سخن می‌گوید، خوب سخن می‌گوید و در کنارش، برهان و دلیل می‌آورد.

خدای والا در قرآن می‌فرماید: من کارهای خود را با تدبیر و برنامه‌ریزی خاص اجرا می‌کنم (مانند سوره یونس، آیات ۳ و ۳۱). با استفاده از واژه (يُدَبِّرُ الْأَمْرَ) به بندگان خود اعلام فرمود: کار خدا با برنامه، تدبیر، تدبیر، تقدیر، حکمت و آینده‌نگری انجام می‌گیرد. همچنین، در تعریف و تجلیل از فرشتگان می‌فرماید: (فَالَمْ لُدَّبِرَاتٍ أَمْرًا)؛ (نازعات، آیه ۵).

حال که افعال خدای متعالی، با قضا و قدر و تدبیر و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد و حکم و دستور او بر اساس حکمت است (سوره ممتحنه، آیه ۱۰)، انسان بصیر نیز طبق دستور و بیان پیامبر اعظم (ص) خودش را موظف می‌داند که وجودش را به این منش و اخلاق الهی هماهنگ و مزین کند: «تَخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»؛ خُلق و رفتار تان را بر اساس، خُلق و رفتار الهی هماهنگ کنید (مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۶ق: ج ۶، ص ۴۰۲).

بر اساس این روایت نبوی، اخلاق مؤمن خدایی و منش و روش زندگی او نیز بر اساس منش و رفتار خدای رحمان است و انسان باید مانند خداوند مدیر باشد.

مدیر کسی است که مسئولیت هماهنگی و تنظیم ارتباط اجزاء یک تشکیلات یا یک نظام با به عهده دارد و همه اجزاء حول آن در مدار معین به حرکت در می‌آیند (منصوری لاریجانی، مدیریت اسلامی، ۱۳۶۹: ص ۱۰). در این باره امام علی (ع) می‌فرماید: «مکان القیم بالأمر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه فإن انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذافیره أبدا» (رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خ ۱۴۶، ص ۲۰۳)؛ «مکان زمامدار در مملکت مانند رشته مهره است که آن را گرد آورده به هم پیوند می‌نمایند، پس اگر رشته بگسلد مهره‌ها از هم جدا شده پراکنده گردد، و هرگز همه آنها گرد نخواهد آمد».

انسان بصیر در برنامه‌ریزی، نخست اندرز خدا و رسول و ائمه اطهار را می‌شنود، سپس به فکر و اندیشه روی می‌آورد و با زیرکی، اهداف خود را نگاه می‌کند و از خطاهای دیگران عبرت می‌گیرد، چنان‌که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا وَ أَضْحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالِ فِي الْمَعَاوِي»؛ «بینا کسی است که شنید و اندیشید، نظر کرد و بصیر شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس در راه روشن حرکت کرد، او در آن راه، از افتادن در مواضع تباهی و قرار گرفتن در مراحل گمراهی اجتناب می‌کند» (همان، خ ۱۵۳، ص ۲۱۳).

آن حضرت، در جایی دیگر هشدار می‌دهد، زمانی که عمق یک امر درک نشد و با برنامه‌ریزی همراه با فکر نبود، به آن نظر و رأی، ترتیب اثر ندهید: «فَلَا تَسْتَعْمَلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ وَ لَا تَتَغَلَّغُ إِلَيْهِ الْفِكْرُ»؛ پس رأی و تدبیر خود را در چیزی که گنه آن را دیده بینش در نمی‌یابد و فکر و اندیشه را بدان راهی نیست، هرگز به کار نبرید (همان، خ ۸۷، ص ۱۹۱).

این پژوهش با روش تحقیق بنیادی و با جستجو در کتابخانه و اطلاعات رایانه‌ای در پی یافتن جایگاه، ارکان، فواید و الگوهای برنامه‌ریزی و مدیریت است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

جایگاه مدیریت و برنامه‌ریزی در اسلام

ضرورت برنامه‌ریزی، امری عقلانی است، چون در مجموعه فعالیت‌های آدمی، افعالی هستند که عقل به خودی خود و با قطع نظر از بیانات نقلی، می‌تواند اهمیت و ضرورت آن‌ها را ادراک کند، به گونه‌ای که سفارش‌های قرآنی و روایی، تکرار همان درک عقلانی یا تأکید آن خواهد بود.

برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف و مقاصد، به ویژه رسیدن به اهداف کلان و سرنوشت‌ساز، در زمره فعالیت‌های بشری است که خود آدمی، ضرورت آن را می‌فهمد. امیر مؤمنان (ع) با تأکید بر عقلی بودن مسأله برنامه‌ریزی می‌فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷)؛ یعنی هیچ چیز، بسان برنامه‌ریزی نشان‌دهنده خردمندی فرد نیست. این تعبیر علوی، کوتاه ولی بسیار پرمغز است، چون در بینش اسلامی، عقل منزلت بسیار بالایی دارد، چنان‌که آن حضرت (ع) فرمود: «لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ»؛ هیچ یک از دارایی‌های آدمی سودبخش‌تر از عقل نیست (همان).

با ملاحظه این دو جمله کوتاه در کنار هم می‌توان نتیجه گرفت که پرمفعت‌ترین توان و دارایی آدمی، تدبیر و برنامه‌ریزی اوست. امام علی (ع) در این سخن، برنامه‌ریزی صحیح و مناسب را محکم‌ترین و روشن‌ترین دلیل بر خردمندی انسان و کامل بودن عقل او می‌داند.

همچنین، آن حضرت (ع) در یکی دیگر از سخنان گهربار خود، با اشاره به عقلانی بودن مسأله برنامه‌ریزی می‌فرماید: «مِنَ الْعَقْلِ مُجَابَبَةُ التَّبْدِيرِ وَ حُسْنُ التَّدْبِيرِ»؛ برنامه‌ریزی خوب و دوری از تبذیر، نشانه خردمندی است؛ (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۴۱۰ق: ص ۶۷۵). در زیباکلام دیگری نیز، بقا و پایداری دولت‌ها را با برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی گره

می‌زند: «أَمَارَاتُ الدُّوَلِ إِنْشَاءُ الْحَيْلِ»؛ پایداری و بقای دولت‌ها بستگی به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور دارد (همان، ص ۸۱۵).

پیامبر اعظم (ص) ابن مسعود را از انجام دادن کارهایی که همراه با آینده نگری و تدبیر نباشد، بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَ عَقْلٍ وَ إِيَّاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بَغَيْرِ تَدَبُّرٍ وَ عِلْمٍ فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ يَقُولُ وَ لَا تَكُونُوا كَأَلْتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»؛ ای ابن مسعود! هر گاه به کاری دست می‌بری، با علم و عقل دست بر. از آن پرهیز که بدون دانستن و اندیشیدن، دست به کاری ببری، خدای والامی فرماید: چون آن زن نباشید که پشم رشته خویش را پس از تاییدن باز گشاد و پاره پاره کرد (طبرسی، مکارم الأخلاق، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۸).

امیرمؤمنان (ع) در باره اهمیت تدبیر چنین می‌فرماید: «أَدَلُّ شَيْءٍ عَلَيَّ غَزَاةَ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ»؛ بهترین دلیل فراوانی عقل، حُسن تدبیر است (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶ش: ص ۱۱۷) و «صَلَّاحُ الْعَيْشِ التَّدْبِيرُ»؛ سلامت زندگانی، برنامه‌ریزی است (همان، ص ۳۰۳) و «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ»؛ کامیابی و پیروزی با حسابگری و دوراندیشی حاصل می‌شود و این دو نیز با کوشش فکر (رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ح ۴۸، ص ۴۷۷).

ارکان برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی، دو رکن مهم و کلیدی دارد که بدون آن‌ها، هرگز موفقیتی به دست نمی‌آید:

هدفمندی

هدف در برنامه‌ریزی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ هر اندازه هدف والاتر و عمیق انتخاب شود، به تناسب آن، برنامه‌ریزی ژرف‌تر و دقیق‌تری می‌طلبد. نخستین نکته مهم و عنصر حیاتی در برنامه‌ریزی، تعیین هدف است و برنامه‌ها برای دستیابی به آن طراحی و اجرا می‌شوند.

امام علی(ع) در تبیین اهمیت و ضرورت تعیین هدف، یکی از ادله ضرورت آن را، ایجاد انگیزه در افراد دانسته و می‌فرماید: «بِقَدْرِ اَلِهَمِّ تَكُونُ اَلْهُمُومُ»؛ تلاش‌ها به اندازه اهداف و همت‌هاست (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ص ۱۱۷). بر این اساس، در سیره عملی آن حضرت، هر گاه فردی را در مقام زمامدار و کارگزار خود به منطقه‌ای اعزام می‌کرد، انتظارات خود را به صورت دقیق و مکتوب به اطلاع وی می‌رساند؛ کامل‌ترین و جامع‌ترین این نامه‌ها، مطالبی است که آن حضرت خطاب به مالک اشتر نخعی نوشت، زمانی که تصمیم گرفت او را استاندار مصر کند. آن حضرت، اهداف اصلی و انتظارات اساسی خود را از مالک، روشن و مشخص و به صورت مشروح و جامع، وظایف و اختیارات او را ذکر کرد.

آینده‌نگری

هر کس بتواند بهترین راه و عملی‌ترین شیوه را برای نیل به اهداف، پیش‌بینی کند و با تیزهوشی، مشکلات راه را حدس بزند و برنامه را به گونه‌ای فراهم کند که در هنگام اجرا، با کم‌ترین مشکل و سختی روبه‌رو شود، برنامه‌ریز موفق است.

از ویژگی‌های آینده‌نگری موفق، لغزش و خطای کم‌تر است. پیش‌بینی مانند تحلیل رویدادهاست، از این رو، نیازمند اطلاعات خام اولیه است که باید بر اساس واقعیت‌ها و حقایق موجود باشد، نه اطلاعات سمت‌یافته و نادقیق! پس مرز میان پیش‌بینی و تخیل، در نوع اطلاعات و نگاه آدمی سامان می‌یابد و برنامه‌ریز توانا، کسی است که پیامدها را پیش از رویداد آن‌ها بشناسد و بسنجد و برای رویارویی با آن‌ها بیندیشد. امیرمؤمنان(ع) نیز این گونه افراد را در زمره دانایان مردم به شمار می‌آورند و می‌فرماید: «أَعْقِلُ النَّاسِ أَنْظَرَهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ»؛ خردمندترین مردم کسی است که پیامدهای کار را بهتر پیش‌بینی کند (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۴۱۰ق: ص ۲۱۷).

بی‌شک، پیش‌بینی غیرواقع‌بینانه، هرگز راه به جایی نبرده و تمام امکانات و منابع مدیریت را با خطر نابودی مواجه می‌سازد. مولای متقیان(ع) با ناپسند شمردن کار بدون

دوراندیشی می‌فرماید: «لَلْأَخْيَرِ فِي عَزْمِ بِلَا حَزْمٍ»؛ تصمیم و اراده‌ای که در آن دوراندیشی و دقت نباشد، سودمند نخواهد بود (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ص ۵۳۹).
اطمینان در انجام دادن امور، نیازمند ضمانت‌هایی است، تا سلامت آن را تضمین کند. ضمانت‌نامه سلامت در برنامه‌ریزی، پیش‌بینی است. بر این اساس، امام علی (ع) فرمود: «تَمَرَّةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ»؛ میوه و فایده دوراندیشی سلامت و ایمنی از حوادث است (رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ح ۱۸۱، ص ۵۰۲).

رسول اکرم (ص) نیز در سفارش به شخصی فرمود: «فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ، فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ، وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتَهِ عَنْهُ»؛ به تو سفارش می‌کنم: هرگاه خواستی کاری را به انجام برسانی، در پیامدهای آن اندیشه کن، اگر در آن رشد و بالندگی بود، بدان اقدام کن و چنانچه در آن تیره روزی و گمراهی بود، از آن روی بگردان (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ص ۳۶۰).

فواید برنامه‌ریزی

برای برنامه‌ریزی، می‌توان سه فایده مهم بیان کرد:

جلوگیری از پشیمانی

برنامه‌ریزی صحیح، از راه پیش‌بینی نتیجه احتمالی، سبب گزینش روش‌هایی می‌گردد که از پشیمانی جلوگیری می‌کند. امام علی (ع) این مهم را این گونه بیان می‌فرماید: «التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ النَّدَمَ»؛ تدبیر و برنامه‌ریزی، پیش از هر کار تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد (کراجکی، کنز الفوائد، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۶۷) و «التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْفِعْلِ يُؤْمِنُ الْعِتَارَ»؛ برنامه‌ریزی پیش از انجام دادن عمل، از پشیمانی جلوگیری می‌کند (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶ش: ص ۲۸).

آینده نگری و پیش‌بینی سختی‌ها و مشکلات

گام نهادن در هر راهی، مشکلات و سختی‌هایی را به دنبال دارد. مسافری که قصد سفر به صحرائی دارد، باید توشه خود را بر اساس احتمالات بردارد، وگرنه در میانه راه،

درمانده و خسته شده و از ادامه راه باز خواهد ماند. بی شک، هرگونه کوتاهی و سستی در برنامه‌ریزی، کوهی از مشکلات را در برابر شخص قرار خواهد داد. امیر مؤمنان (ع) در کلامی کوتاه و ژرف، به این مسأله اشاره می‌فرماید: «مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ أَقَامَتُهُ الشَّدَائِدُ»؛ کسی که در راه، چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی کوتاهی کند، مشکلات و سختی‌ها در مقابل او خواهند ایستاد (همان، ص ۴۴۱).

بهره‌وری بهینه از منابع

برنامه‌ریزی بر اساس داشته‌ها و اندوخته‌ها، همواره روند کار را در مسیری بهتر هدایت می‌کند و سبب بهره‌وری از همه امکانات و منابع می‌شود. حضرت علی (ع) در نگاهی مدبرانه و کلامی حکیمانه، برنامه‌ریزی را از امکانات و منابع، مهم‌تر ارزیابی می‌فرماید: «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ»؛ ظرافت و دقت در برنامه‌ریزی مهم‌تر و بهتر از وسایل و امکانات است (همان، ص ۶۷).

برخی الگوهای مدیریت و برنامه‌ریزی در قرآن

قرآن کریم، افزون بر بیان نقش تدبیری خدای وال، به برخی برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌ها و تدبیرهای حکیمانه رسولان بصیر الهی نیز اشاره کرده است که به دلیل شناخت عمیق ایشان به مسأله است.

حضرت سلیمان (ع)

مدیریت و تدبیر این پیامبر الهی را می‌توان در چند جا مشاهده کرد:

أ. لشکریان فراوان حضرت سلیمان (ع)، دسته دسته و با یک برنامه ویژه‌ای آماده می‌شدند و حضرت سلیمان (ع) نیز در مقابل آن‌ها سان می‌دید: (وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ) لشکریان سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند آن قدر فراوان بودند که باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند (نمل: آیه ۱۷)

با این شرایط و اوضاع، مدیریت سلیمان و برنامه‌ریزی او آن قدر حساب شده بود که همه حیوانات و رویدادها را زیر نظر داشت، تا جایی که صدای مورچه کوچک را در روی

زمین شنید که به مورچه‌های دیگر می‌گفت: به خانه‌های خود بروید تا پایمال لشکریان سلیمان نشوید؛ (قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا يَهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) (نمل، آیه ۱۸). حضرت سلیمان (ع) نیز توقف کردند، تا مورچه‌ها به داخل خانه‌هایشان بروند: «فوقف سلیمان بجنوده حتی دخل النمل مساكنه» (طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن)، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۳۳۶.

ب. این پیامبر الهی، هنگام سان دیدن از لشکریان خود، توجه دقیقی به پرنده هدهد و نبود آن در میان سپاه داشت: (وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ) (سلیمان) در جستجوی آن پرنده (هدهد) برآمد و گفت: چرا هدهد را نمی‌بینم، یا اینکه او از غایبان است (نمل، آیه ۲۰)

این تفقد از زیردستان و بازدید از کار آنان و جست‌وجو از احوالشان، از اصول اسلامی و اخلاقی و اجتماعی و تربیتی و مدیریتی است، پس مسائل بزرگ، نباید انسان را از موضوعات کوچک باز دارد. عنایت حضرت سلیمان به نبود پرنده‌ای کوچک، از اندیشه عمیق و تدبیر آن حضرت نشان دارد. این تیزبینی و دقت و تسلط، از شروط لازم برای مدیری برنامه‌ریز است.

سلیمان نبی (ع) در باره غیبت هدهد، زود قضاوت نکرد و نیروی تحت امر خود را متهم نساخت؛ اما در صورت نیابردن دلیلی منطقی، برای او کیفری سخت در نظر گرفت: (لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ)؛ قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد (نمل، آیه ۲۱).

پس از آمدن هدهد، جناب سلیمان نبی (ع) با تدبیر خود در پی کشف راستگویی ادعای هدهد برآمد؛ یعنی بی‌درنگ سخن او را نپذیرفت و با دادن مأموریت رساندن نامه‌ای به ملکه سبأ، او را می‌آزماید.

ج. تدبیر دیگر حضرت سلیمان (ع)، برنامه ایشان در فاصله گرفتن بلقیس از آیین شرک آلودش بود. هنگامی که فرستاده ملکه سبأ نزد ایشان آمد و خواست تا با هدایایی او را

بیازماید؛ حضرت سلیمان فرمود: می‌خواهید مرا با مال کمک کنید و فریب دهید؟ آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است، بلکه شما هستید که به هدیه‌هایتان خوشحال می‌شوید. وقتی سلیمان(ع) تخت بلقیس را به وسیله یارانش و در کم‌تر از چشم به هم زدنی آورد و بلقیس از حقانیت سلیمان آگاه گردید، وی بی درنگ تسلیم شد و از آیین شرک آلودش دوری گزید (نمل، آیه ۴۳).

به سبب این اندیشه ژرف پیامبر الهی که بیانگر بصیرت اوست، شاه بانویی مشرک و کافر به آیین حق بازگشت و این معرفت عمیق او با یک برنامه‌ریزی و تدبیر دقیق که از نشانه‌های یک مدیر موفق است، حکومت صالحان را برای مردم آشکار ساخت.

حضرت یوسف(ع)

داستان معروف تدبیر اقتصادی و حکیمانه حضرت یوسف(ع) برای رهایی از خشکسالی، از دیگر مصادیق قرآنی برنامه‌ریزی بصیران است. تدبیر حکیمانه حضرت یوسف(ع) برای مقابله با قحطی و خشکسالی و نجات جان مردمی بود که کنار رود نیل قرار داشتند و از آب آن استفاده می‌کردند. آن حضرت، در هفت سال نخست فراوانی، برای هفت سال دوم قحطی، تدابیر لازم را اتخاذ کرد و از سال نخست، برای نوع و مقدار کشت، میزان مصرف و ذخیره سازی، نوع ذخیره‌سازی، سیلو کردن، برنامه‌ریزی کرد. ایشان تمامی این اقدامات حکیمانه را با پنجه تدبیر و شناخت عمیقی به دست آورد که خدای رحمان در زمینه اقتصاد به او عنایت کرده بود.

نکات قابل استفاده از برنامه‌ریزی اقتصادی این رسول بصیر الهی عبارت است از:
أ. در مواقع بحران خشکسالی پیش رو، باید بر ظرفیت تولید و کار افزود (یوسف، آیه ۴۷).

ب. هم در تولید، هم در صرفه جویی و ذخیره‌سازی، یک برنامه‌ریزی قوی ضرورت دارد، در حالی که جوامع عقب مانده بدون توجه به تدبیر، در این سه مرحله، فقط مصرف می‌کنند (همان).

ج. برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، باید برنامه‌ریزی بلند مدت و جدول زمانی کاملی برای اجرای آن داشت (همان).

د. صرفه‌جویی امروز، خودکفایی فردا و اسراف امروز، نیازمند شدن فردا را به دنبال دارد (یوسف، آیه ۴۷).

هـ. در شرایط بحرانی، کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع، ضرورت دارد (یوسف، آیه ۴۷).

و. در مصرف، باید مقداری را برای بذر و سرمایه ذخیره کرد (یوسف، آیه ۴۸).

ز. در برنامه‌ریزی کشاورزی، پیش‌بینی وضع هوا و بارندگی و شرایط سخت، امری مفید و لازم است (یوسف، آیه ۴۹).

ذوالقرنین (ع)

ذوالقرنین به واسطه عقل و حکمتی که خدای متعالی به او داده بود، (زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۳۰) توانست از ابزارهای الهی که در اختیارش بود و با تدبیری حکیمانه، در اجرای سدسازی و جلوگیری از فساد یا جوج و مأجوج، نمونه‌ای از حکومت صالحان بصیر را به نمایش گذارد. خدای والا در باره این رویداد می‌فرماید: (إِنَّا مَكْنَنًا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا)؛ ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد (کهف، آیه ۸۴ و ۸۵). او در یکی از سفرهایش، به مکانی رسید که مردمش از فساد گروهی دیگر به او شکایت کردند و او توانست با یک برنامه‌ریزی و تدبیر حکیمانه در ایجاد سد، فساد را در آن مقطع و سرزمین از میان ببرد (کهف، آیات ۹۳ تا ۹۸). ذوالقرنین در تدبیر کردن اجرای سد سازی، به چند مطلب عنایت داشت:

أ. منابع انسانی لازم برای عملیاتی کردن این طرح و مشارکت در آن را احتساب کرد (کهف، آیه ۹۵).

- ب. مهندسی و تعیین مواد لازم از آهن و مس را تعیین و نقشه ترکیب این دو فلز را برای استحکام سد، مهندسی کرد، تا فلزی با آلیاژ مناسب تولید گردد (کهف، آیه ۹۶).
- ج. با وجود تدبیر در ساخت این سد، از استحکام آن برای مدت طولانی احراز اطمینان شد، به گونه‌ای که حتی نمی‌توانستند سوراخ کوچکی در آن ایجاد کنند (کهف، آیه ۹۷).
- د. به کمک علم، هنر و تعاون، بهترین کارها و پروژه‌ها را به وسیله ساده‌ترین افراد و ابزار تولید کرد (کهف، آیات ۹۵ تا ۹۷).

نتیجه‌گیری

پس از تأمل در منابع دینی درباره مدیریت و برنامه‌ریزی حکیمانه در قرآن و روایات نتایج زیر به دست آمد:

ضرورت برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف و مقاصد، به ویژه رسیدن به اهداف کلان و سرنوشت‌ساز، به گونه‌ای است که آدمی، ضرورت آن را می‌فهمد.

هدفمندی و آینده‌نگری از ارکان مهم و کلیدی برنامه‌ریزی به شمار می‌رود.

فایده برنامه‌ریزی این است که باعث می‌شود از کار خود پشیمان نشود. همچنین

سختی‌ها و مشکلات را از قبل پیش‌بینی می‌کند و از طرفی دیگر از منابع به نحو احسن و بهینه بهره‌مند می‌شود.

با اسوه دانستن از الگوهای قرآنی همچون حضرت سلیمان(ع)، حضرت یوسف(ع)

و حضرت ذوالقرنین(ع) می‌توان فواید برنامه‌ریزی حکیمانه را در خود تقویت کرد.

با برنامه‌ریزی حکیمانه، دقت خود را در توجه به همه امور و تدبیر در اموری که در

آینده خواهد آمد، افزایش خواهیم داد؛ چه در امور اقتصادی همچون حضرت یوسف(ع)،

چه در امور نظامی و حکومتی و فرهنگی مانند حضرت سلیمان(ع) و حضرت ذوالقرنین(ع).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، «المحاسن»، ج ۲، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ق.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غرر الحکم و درر الکلم»، ج ۲، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۴۱۰ق.

۵. اصول و مبانی مدیریت، توکلی عبدالله، چ ۲، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۳ش.
۶. راغب اصفهانی حسین بن محمد، «مفردات ألفاظ القرآن»، چ ۱، دار الشامیه بیروت، ۱۴۱۲ق.
۷. زارعی، مجتبی، مسعودی، عبدالهادی، هدایتی، علی، و گروه علمی اخلاق دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، «اخلاق اسلامی»، چ ۱، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۹ش.
۸. زحیلی، وهبه بن مصطفی، «التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج»، چ ۲، دار الفکر المعاصر، بیروت دمشق، ۱۴۱۸ق.
۹. الشرتونی اللبنانی سعید الخوری، «أقرب الموارد فی فُصَح العربیة و الشوارد» (جلدی)، چ ۱، دارالأسوء للطباعة و النشر، بی جا، ۱۳۷۴ش/۱۴۱۶ق
۱۰. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طبرسی فضل بن حسن، «مجمع البیان لعلوم القرآن»، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۲. _____، «مکارم الأخلاق»، چ ۴، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
۱۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، «نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین»، محقق / مصحح: انصاری قمی، مهدی، چ ۱، و سسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۴. کراچکی محمد بن علی، «کنز الفوائد»، چ ۱، دارالذخائر، ایران؛ قم، ۱۴۱۰ق.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، «الکافی»، ج ۱، دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۶. لیبی واسطی، علی بن محمد، «عیون الحکم و المواعظ»، ج ۱، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶ش.
۱۷. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۲، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۸. معین محمد، «فرهنگ فارسی» (۲جلدی)، ج ۴، آدنا: کتاب راه نو، تهران، ۱۳۸۱ش.
۱۹. منصوری لاریجانی، اسماعیل، «مدیریت اسلامی»، ج ۱، مجتمع شهید مطهری، تهران، ۱۳۶۹ش.